



۵۴



روایتی از ۲۷ سال زندگی موسی رئوفیان
 از راهروهای آسایشگاه فیاض بخش تا کسب مدال طلا در مسابقات بوجیای جهان

من، قهرمان جهان و فرزند آسایشگاه هستم

عکس: فاطمه جاهدی/شهر آرا

قناد ساکن محله فلسطین پس از سال ها تمرین و تجربه، در مسابقات بین المللی گاسترونومی ترکیه مدال برنز گرفت

قصه افتخار با کیک عروسی



اهالی و کسبه خیابان زنبق ۲
 از دپوی شبانه روزی زباله در کنار بوستان گلایه دارند
 وصله ناجور بر قامت «بهزاد»

مجید دولتی بیش از ۱۷۰ شب است
 که با قلم و دوات در تجمعات حضور پیدا می کند
 تداوم مشق مقاومت

زباله در همین جاست تا دست کم پسماندها و شیرابه‌های زباله روی زمین پخش نشود.

بیژن محمدی، یکی دیگر از اهالی، ریشه مشکل را در الگوبرداری از رفتار برخی واحدهای تجاری می‌داند و می‌گوید: وقتی چند کاسب زباله‌شان را اینجا می‌گذارند، بقیه هم همین نقطه را انتخاب می‌کنند. از آنجاکه اینجا واحدهای مسکونی کمی دارد، زیر تابلو خیابان مکان دپوی دائم زباله شده است.

● پاک‌سازی مکرر راهکار پایدار نیست

محسن گل‌مشکی، عضو شورای اجتماعی محله سجاد، با تأیید وجود این معضل، بر ضرورت آموزش‌های شهروندی و اصلاح زمان بندی تأکید می‌کند. او توضیح می‌دهد: تبدیل شدن یک نقطه خاص به محل تجمع پسماند، رفت‌وآمد عابران را محدود کرده است. با اینکه پاکبانان خدمات شهری چندین نوبت از جمله نیمه شب، بامداد و صبح زود برای نظافت معبر می‌آیند، بلافاصله پس از پاک‌سازی، کیسه‌های جدید روی زمین رها می‌شود.

وی معتقد است تازمانی که کسبه و اهالی، زمان دقیق قرارداد زباله یعنی ساعت ۲۱ و گذاشتن آن مقابل ملک خود را رعایت نکنند، مراجعات مکرر پاکبانان، اثربخشی ماندگاری نخواهد داشت.

● جانمایی باکس زباله ممکن نیست

رئیس اداره خدمات شهری منطقه یک، در پاسخ به مطالبات مطرح شده درباره جانمایی باکس جمع‌آوری زباله‌ها می‌گوید: در این محدوده و در کوچه پشت مسجد، پنج شش‌گاری جمع‌آوری زباله جانمایی شده است و نصب مجدد باکس زباله در این محدوده ممکن نیست.

مجتبی میریلوکی ادامه می‌دهد: زباله‌های واحدهای تجاری باید در ساعت مقرر و درست در مقابل خود واحد صنفی قرار داده شود تا نیروهای خدمات شهری طبق زمان بندی روزانه آن‌ها را جمع کنند. وی با اشاره به ممکن نبودن استقرار باکس اختصاصی برای تخلیه زباله در حاشیه بوستان می‌افزاید: امکان تخلیه مستمر و ساعتی گاری‌ها در طول روز به درخواست کسبه وجود ندارد و نصب آن در جوار بوستان، شرایط نامناسبی ایجاد خواهد کرد.

میریلوکی در پایان درباره موضوع استشهاد محلی برای نصب باکس زباله توضیح می‌دهد: تنظیم استشهاد برای نصب باکس زباله مربوط به مواردی است که ساکنان یک کوچه درباره محل قرارگیری گاری معترض بوده و درخواست جابه‌جایی آن راداشته باشند.



● الگوبرداری از یک رفتار اشتباه

نیش خیابان زنبق ۲، در کنار بوستان بهزاد، مدتی است که به محل ثابتی برای دپوی زباله تبدیل شده است. ماجرا از جایی آغاز شد که برخی کسبه این محدوده به دلیل حضور مداوم مشتریان، تمایلی به قراردادن کیسه‌های زباله در مقابل واحد صنفی خود نداشتند و آن سوی مغازه‌شان، زیر تابلو خیابان زنبق ۲ را برای رهاکردن کیسه‌های زباله هایشان انتخاب کردند.

این رفتار به مرور بین ساکنان هم رایج شد. حالا پاره شدن کیسه‌ها توسط گربه‌ها و زباله‌گردها، اوضاع بهداشتی و بصری و رودی بوستان را نامناسب کرده است.

ایزدپناه، یکی از کسبه همین خیابان، با اشاره به شلوغی و رفت‌وآمد زیاد خیابان زنبق می‌گوید: اینجا یک راسته پرتردد تجاری و درعین حال معبر ورود به فضای سبز است. رهاشدن زباله‌ها روی زمین علاوه بر ایجاد منظره نازیبا، باعث تجمع حشرات موزی شده است. خواسته اصلی ما از شهرداری، جانمایی یک باکس

اهالی و کسبه خیابان زنبق ۲ از دپوی شبانه‌روزی زباله در کنار بوستان گلایه دارند

وصله ناجور بر قامت «بهزاد»

صفائی | بوستان بهزاد برای بسیاری از ساکنان محله سجاد، جایی برای چند دقیقه فاصله گرفتن از شلوغی خیابان و قدم زدن در سایه درختانش است. اما دریکی از گوشه‌های ورودی این بوستان، منظره‌ای شکل گرفته است که با حال و هوای فضای سبز همخوانی ندارد: کیسه‌های زباله‌ای که گاهی پیش از رسیدن خودروهای جمع‌آوری، ساعت‌ها روی زمین می‌مانند و توسط گربه‌ها و زباله‌گردها پاره می‌شود. این موضوع به دغدغه‌ای برای اهالی و کسبه خیابان زنبق تبدیل شده است؛ دغدغه‌ای که آن‌ها امید دارند با جانمایی مناسب مخزن زباله و رعایت ساعت جمع‌آوری توسط مردم، برطرف شود.

هم قدم



آسفالت نامناسب، مشکل ساکنان منطقه یک

صفائی | شهردار منطقه یک به همراه معاون فنی و اجرایی و معاون فرهنگی و اجتماعی و رؤسای ادارات منطقه، یکم مرداد، در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷ حضور یافت و بدون واسطه به ۱۰ تماس تلفنی شهروندان پاسخ داد.

۱۳۷



شهرآرام‌محله پیگیری می‌کند

- شهرآرام‌محله در روزهای آینده، مشکل نشست آسفالت در قاضی طباطبایی ۱۲، درخواست آبیاری درختان خشک معابر خیابان قائم (۴) و لایروبی چاه‌های محله آبکوه را پیگیری خواهد کرد.

حوزه شهرسازی

یک درخواست در این حوزه ثبت شد که مربوط به پیشروی ملک و ساخت‌وساز غیرمجاز در قرن ۱۴ بود.

حوزه فنی و عمران

بیشترین درخواست‌ها در این حوزه به آسفالت اختصاص داشت و در مجموع ۳ مورد ثبت شد. این درخواست‌ها شامل آسفالت خیابان قاضی طباطبایی ۹ و ۲ تماس درباره نشست آسفالت در قاضی طباطبایی ۱۲ بود.

حوزه فرهنگی و اجتماعی

یکی از شهروندان درخواست نصب تابلو با موضوع ممنوعیت سگ‌گردانی در بوستان‌های اطراف ششصدستگاه را داشت.

حوزه فضای سبز

در حوزه فضای سبز ۲ درخواست با موضوع آبیاری درختان خشک قائم ۱۹ و اعلام قطعی ۳ اصله درخت در پاسطوره ۲ که از نظر شهروندان به صورت غیرمجاز انجام شده است، مطرح شد.

حوزه خدمات شهری

در این حوزه ۳ درخواست شامل نصب باکس زباله در آبکوه یک و لایروبی چاه‌های جذبی در محله آبکوه به‌ویژه دستغیب ۱۸ و رفت‌ووروب کوچه شهید رئیسی ۲ مطرح شد.

همسایه به همسایه، دیدار ششم، کوچه شهید فارسی ۵

همسایه‌هایی برای روزهای سخت

صدرا در کوچه شهید فارسی ۵، همسایگی فقط به سلام و احوالپرسی‌های روزمره خلاصه نمی‌شود. سال‌هاست ساکنان این کوچه در روزهای مختلف، از دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس گرفته تا اتفاقات امروز، کنار هم ایستاده‌اند. مسجد موسی بن جعفر^(ع) در محله شفا یکی از جاهایی است که این همدلی را شکل داده است؛ جایی که همسایه‌ها دور هم جمع می‌شوند، در برنامه‌ها کمک می‌کنند و حالاً در تجمعات شبانه نیز کنار یکدیگر حضور دارند.

پای غم و اندوه هم

از اوایل دهه ۶۰ سیده کوکب رحیمی در این کوچه سکونت دارد. از همان روزهای نخست سکونت، ارتباطش با همسایه‌ها شکل گرفت و این ارتباط در سال‌های بعد، خودش را بیشتر نشان داد. یکی از سخت‌ترین روزهای زندگی او، سال گذشته و پس از فوت پسرش در یک حادثه تصادف رقم خورد؛ روزهایی که همسایه‌ها خودشان را به خانه او رساندند و در مراسم تدفین و تعزیه، کنارش ماندند. کوکب خانم همسایه‌هایش را از خواهر به خود نزدیک‌تر می‌داند و می‌گوید: نمی‌دانم اگر آن‌ها نبودند، چطور این غم را تحمل می‌کردم و می‌توانستم دوباره سرپا شوم.

او از روزهای انقلاب و دفاع مقدس هم خاطره دارد؛ روزهایی که همراه دیگر همسایه‌ها در مسجد حاضر می‌شدند و برای پشتیبانی به جبهه‌ها کمک می‌کردند. حالا نیز با شنیدن خبر شهادت رهبر انقلاب، دوباره خود را موظف به حضور در میدان می‌داند. هر شب در تجمعات شرکت می‌کند و در حد توان مالی خود نیز برای برگزاری این برنامه‌ها کمک می‌کند. او می‌گوید: دیگر توان جسمی قدیم را ندارم ولی با کمک مالی سعی می‌کنم به وظیفه‌ام عمل کنم.



خانه‌ام را حسینی‌ه کرده‌ام

کوکب خانم، بتول طاحان جوادآبادی، همسایه روبه‌رویش را معرفی می‌کند که از سال ۱۳۶۷ در این کوچه سکونت دارد. بخش اعظمی از خاطرات آن‌ها کنار هم شکل گرفته است. بتول خانم از روضه‌های خانگی می‌گوید که با همراهی همسایه‌ها راه افتاده است؛ مراسمی که حالا هر سه شنبه در خانه یکی از اهالی برگزار می‌شود و همه برای برگزاری آن کمک می‌کنند. او می‌گوید: همسایه‌هایی که به مسجد می‌آیند، همه هم فکر و رازدار هم هستند و هر جاکه لازم باشد، به هم کمک می‌کنند.

او از روزهای دفاع مقدس نیز خاطراتی دارد؛ از فعالیت‌های پشت جبهه و کمک‌هایی که در آن سال‌ها انجام می‌دادند تا روزهایی که خودش و کوکب خانم همراه تعدادی از آقایان برای درو کردن گندم به زمین‌های قاسم آباد می‌رفتند و به اهالی آنجا کمک می‌کردند. بتول خانم چند سال پیش بعد از فوت همسرش، خانه‌اش را به حسینی‌ه تبدیل کرد. او می‌گوید: در ماه مبارک رمضان، اعیاد و مناسبت‌های مختلف با کمک همسایه‌ها غذا آماده و در خانه مراسم برگزار می‌کنیم.

بتول خانم هم با شنیدن خبر شهادت رهبر انقلاب، خود را موظف به حضور در صحنه می‌داند و می‌گوید: خدا را شکر که امام سید مجتبی‌خامنه‌ای رهبرمان شدند و حالا گوش به فرمان ایشان هستیم و تا هر وقت بگویند در تجمعات حاضر می‌شویم.

خادم افتخاری مسجد

بتول خانم، طاهره باغشنی، خادم افتخاری مسجد را معرفی می‌کند، کسی که هجده سال است همسایه آن‌ها شده است و اینجا سکونت دارد. او و همسرش از همان روزهای اول، مسجد موسی بن جعفر^(ع) را به عنوان یکی از محل‌های اصلی رفت و آمد خود انتخاب کرده‌اند و هر دو خادم افتخاری این مکان هستند. هر زمان مراسم یا برنامه‌ای در مسجد برگزار می‌شود، طاهره خانم خودش دست به کار می‌شود و بخشی از کارها را برعهده می‌گیرد؛ از ریختن چای و پذیرایی گرفته تا آماده کردن غذا و شستن ظرف‌ها.

او می‌گوید: این روزها هم هر کدام از ما وظیفه داریم برای تجمعات شبانه هرکاری از دستمان برمی‌آید، انجام دهیم. از چای دم کردن تا پذیرایی یا پرچم گردانی فرقی برایشان ندارد. از وقتی به اینجا آمده‌ایم، همسایه‌ها همیشه کنار هم بوده‌اند، چه در روزهای معمولی که احوالپرس هم هستند، چه در روزهای سخت که باید برای کشورمان کنار هم می‌ایستادند.



آسفالت نوبرتن توس ۳۳

عملیات روکش آسفالت خیابان توس ۳۳ حدفاصل شکری ۱۹، در راستای بهبود کیفیت معابر و تسهیل تردد شهروندان اجرا شد. در این عملیات، بیش از ۱۲۰ تن آسفالت در مساحتی بالغ بر ۹۵۰ مترمربع استفاده شد. روکش آسفالت این مسیر، با هدف بهسازی سطح معبر و ارتقای کیفیت تردد اجرا شده است.

شهر خبر

فضای سبز، سبزتر می‌شود

برای حفظ و بهسازی فضای سبز و ارتقای سیمای شهری بیش از ۱۵۳ هزار مترمربع علف‌زنی و بولیورزنی، ۳۲ هزار مترمربع چمن‌زنی و ۲ هزار و ۲۱۲ متر هرس پرچین در منطقه ۱۲ اجرا شد. همچنین هرس سرشاخه‌های خشک ۶۹ اصله درخت، شست و شوی ۸۴ اصله درخت، شست‌زنی ۸۰ اصله و کاشت ۲۰۰ بوته زرشک در دستور کار قرار گرفت.

هدایت آب‌های سطحی در «هدایت»

برای بهسازی معابر و سامان‌دهی مسیر هدایت آب‌های سطحی، عملیات مرمت کانیو و جدول آب‌رودر خیابان هدایت ۲۵۰۴ اجرا شد. بهسازی زیرساخت‌های معابر و رسیدگی به نقاط نیازمند تعمیر، از جمله اقداماتی است که در راستای ارتقای کیفیت شبکه معابر و افزایش رضایت شهروندان منطقه ۲ مشهد دنبال می‌شود.

صفائی‌ا شهردار منطقه ۲ مشهد، از تداوم اقدامات خدمات شهری با هدف ارتقای بهداشت محیط، حفظ پاکیزگی معابر و بهبود سیمای شهری در این منطقه خبر می‌دهد و می‌گوید: در همین راستا، رنگ‌آمیزی، شست و شو و ضد عفونی جایگاه مخازن ۱۱۰۰ لیتری زباله، شست و شوی محل‌های دپوی زباله، جمع‌آوری ضایعات و نخاله و پاک‌سازی کانال‌های آیلند میانی بزرگراه‌ها اجرا شده است.

حسین بنایی‌منش ادامه می‌دهد: جمع‌آوری پل‌های غیرمجاز، تسطیح زمین‌های بایر با استفاده از دستگاه توماس و بازو غلتان، تحویل سهمیه جارو به نیروهای پاکبان، شست و شو و کف‌تراشی کانال‌ها و نظافت مسیر زیرگذرها از دیگر اقدامات انجام شده در حوزه خدمات شهری در منطقه ۲ بوده است. وی می‌افزاید: اجرای این اقدامات به صورت مستمر در سطح منطقه دنبال می‌شود تا ضمن ارتقای پاکیزگی و بهداشت محیط، فضاهای شهری سامان‌دهی شده و شرایط مطلوب‌تری برای تردد و حضور شهروندان فراهم شود.



شهردار منطقه ۲ از استمرار فعالیت‌های خدمات شهری در این منطقه خبر می‌دهد

**حفظ پاکیزگی
برای زیست
مطلوب‌تر**

روایتی از ۲۷ سال زندگی موسی رئوفیان
از راهروهای آسایشگاه فیاض بخش تا کسب مدال طلا در مسابقات بوچیای جهان

۲

من، قهرمان جهان و فرزند آسایشگاه هستم

۱

زندگی شیرین در «فیاض بخش»

زندگی موسی از نوزادی به فضای آسایشگاه فیاض بخش گره خورده است. او از ابتدایی ترین لحظاتی که جهان را شناخت، خودش را در این محیط دید. اما هیچ گاه با واژه تنهایی انس نگرفت و هرگز از شرایط زندگی اش گلایه نکرد. با همان خوش رویی می گوید: اگر آسایشگاه نبود، من هم نبودم. من فرزند آسایشگاه هستم. اینجا باعث شد که من پیشرفت کنم. نمی دانم اگر این مکان نبود، الان کجا و در چه شرایطی بودم.

برای موسی، مسئولان آسایشگاه نقش پدر و مادری را دارند که سایه شان همواره بالای سرش بوده است و بچه هایی که در فیاض بخش زندگی می کنند، برای موسی فقط هم اتاقی نیستند؛ آن ها را خواهران و برادران واقعی اش می داند که در غم و شادی یکدیگر شریک اند. در همه این ۲۷ سال، یک بار هم کسی صدای گلایه او را نشنیده است. هیچ کس یادش نمی آید که او از معلولیتش شاکی بوده باشد. او تقدیر را پذیرفته، اما تسلیم آن نشده است. این را می توان از حرف هایش فهمید، درست وقتی که می گوید: خدا یا ممنونم که آسایشگاه من را پذیرفت.

حتی درباره معلولیتش می گوید: این شرایط قسمت من بوده است و من با همین قسمت، راهم را پیدا کرده ام. مشکلات خودم را نمی توانم به گردن خدا بیندازم.

۲

کشف یک استعداد

رسم آسایشگاه بر این است که افراد با فضای بیرون آشنا شوند. برای همین بچه ها در بخشی از دوران تحصیل به مدارس بیرون از آسایشگاه می روند. همه چیز برای قهرمانی موسی از مدرسه استثنایی «کوشا» در بولوار فرودگاه شروع شد. وقتی او به همراه دوستانش برای تحصیل به این مدرسه می رفت، زنگ ورزش، معنای دیگری پیدا کرد. معلم ورزش متوجه پسری نشست و بر ویلچر شد که همیشه با چشمان خندان با تمرکز و دقت به توپ ها نگاه می کرد. بالاخره پس از مدتی بازی در تیم بوچیای مدرسه، حرکات دستش هنگام پرتاب توپ، استعداد نهفته اش را نشان داد. یکی دو ماه تمرین در مدرسه کافی بود تا مسئولان ورزشی فیاض بخش متوجه توانایی های او شوند. آسایشگاه فیاض بخش سال هاست پرچم دار ورزش های توان یابان است و تیم داری در شرق کشور را بر عهده دارد. حالا موسی عضو تیم بوچیای آسایشگاه شده بود و در مسابقات متعددی شرکت می کرد. آن روزها وحید نیک فرجام، سرمربی تیم بوچیای آسایشگاه بود؛ مردی که بعد ها سرمربی تیم ملی بوچیای ایران شد و در مسابقات در کنار موسی بوده است. موسی از آن روزها تعریف می کند و می گوید: وقتی شانزده ساله بودم و تازه در این رشته بازی می کردم، تصور نمی کردم یک روز لباس تیم ملی را بر تن کنم. این اتفاق یک رؤیای دور برای من بود. اما مربی ام همیشه می گفت «موسی، تو جای پیشرفت داری. تلاش کن و عقب ننشین.» اولین میدان رسمی مسابقه برای او در هتل توریست توس بود. موسی روی ویلچر نشست، توپ های چرمی آبی و قرمز را در دست گرفت و با دقت آن ها را به سمت هدف می انداخت. در نهایت هم در این مسابقه توانست مقام اول را کسب کند. خاطره آن روز برای موسی ماندگار شد.



توپ و آرامش

وقتی از او می پرسیم ورزش بوچیا چگونه انجام می شود، با حوصله می گوید: ورزشی مخصوص ورزشکاران با معلولیت های شدید جسمی حرکتی است. بازی با یک توپ هدف سفید آغاز می شود که روی زمین قرار دارد. بازیکنان باید با تمرکز و دقت توپ های قرمز یا آبی خود را تا حد ممکن نزدیک به توپ سفید پرت کنند، هر چه نزدیک تر، امتیاز بیشتر. او ادامه می دهد: این ورزش به من آرامش می دهد. درست مثل شطرنج که به آن هم علاقه دارم و بازی می کنم.

۳



۴

به خاطر مرتضی ادامه دادم

در میان گفت و گویمان که بلبخند موسی همراه است، نام مرتضی، فضا را تغییر می دهد. ناگهان صدای موسی آرام و چشمانش پر از اشک می شود. بغض جای خنده را می گیرد.

نمی دانم موسی به چه فکر می کند؛ اما با یادآوری خاطرات، نگاهش را از ما می دزدد و پی حرفش را این طور می گیرد: مرتضی رباط جزی، اهل سبزوار و یکی از بهترین دوستانم بود. او هم برای تمرین بوچیا به مشهد می آمد. هم تیمی و بهترین دوستم بود. هر دو با هم تلاش می کردیم تا عضو تیم ملی بشویم.

سرش پایین است و بالبه های میز مقابلش بازی می کند. پس از کمی مکث ادامه می دهد: چهار سال پیش، یک حادثه تلخ و دردناک، رؤیاهای من و مرتضی را بر باد داد. یک راننده که می گفتند هوشیار نبوده، با سرعت به سمت پیاده روی می آید و به مرتضی که سوار بر ویلچر در حال عبور بود، می زند. دوست من برای همیشه رفت و تنها خاطراتش برای من باقی ماند.

با همان غمی که در صدایش است، توضیح می دهد: وقتی مرتضی رفت، من خیلی افسرده شدم. هنوز هم بعد از چهار سال وقتی یادش می افتم، دلم می سوزد. مرتضی حیف شد. همیشه با خودم می گویم مسئولان به ما معلولان اهمیت نمی دهند. اگر مرتضی امکانات داشت، اگر سرویس مناسبی برای رفت و آمدش داشت، مجبور نبود کنار خیابان حرکت کند تا یک راننده بی ملاحظه، زندگی اش را تمام کند. مکث موسی طول می کشد، خودش را جمع و جور می کند و سعی می کند دوباره لبخند بزند. ادامه می دهد: نبود مرتضی باعث نشد من عقب بکشم. برعکس، به خاطر او تلاشم را چند برابر کردم تا روحش را خوشحال کنم. من با او پیشرفت کرده بودم و باید راهش را ادامه می دادم تا به من افتخار کند.

وقتی فهمیدم عضو تیم ملی شده ام، حس عجیبی داشتم. خستگی این سال ها از تنم درآمد. از خوشحالی موبرتنم سیخ شد. اولین کاری که دلم می خواست انجام دهم، این بود که این خبر را به خانواده ام در آسایشگاه فیاض بخش بدهم.

موسی می گوید: زمانی که پیراهن تیم ملی را پوشیدم، فقط به یک چیز فکر می کردم: باید صد خودم را بگذارم. باید اول شوم.

تلاش بی وقفه او در مسابقات بین المللی قزاقستان به بار نشست. مسابقاتی فشرده و سنگین با حضور سی تیم. در طول دوازده بازی، موسی حتی یک باخت نداشت و در نتیجه، مقام اول و مدال طلای انفرادی جهان و مدال نقره تیمی را به دست آورد.

تعریف می کند: وقتی مدال طلا را به گردنم انداختند و پرچم ایران بالا رفت، از خوشحالی اشک می ریختم. برایش تلاش کرده بودم. آن لحظه، شیرین ترین زمان زندگی ام بود.

مشکلی نداشتم. اما نگاه های مردم اذیت می کند. بعضی از مردم وقتی ما را در خیابان می بینند، نگاه ترحم آمیز دارند. انگار تابه حال معلول ندیده اند! اما خودمان نخواستیم معلول بشویم. اتفاقی بوده که افتاده. از مردم می خواهیم حواسشان به رفتارشان باشد. ما را از روی ظاهر قضاوت نکنند. مافقط می خواهیم مثل بقیه شهروندان، زندگی عادی داشته باشیم.

بیش از دو سال است که رتو فیان لباس تیم ملی بوچیای ایران را بر تن دارد. مدال های کشوری و استانی اش آن قدر زیاد است که خودش هم تعدادشان را به خاطر نمی آورد. موسی لحظه ای که خبر ملی پوش شدنش را شنید، هرگز از یاد نمی برد. تعریف می کند:

**اشک شوق
برای مدال طلا**

۵

**«نمی شود»
برایم معنا ندارد**

وقتی از موسی می پرسم زمان ناامیدی چه می کنی، بالحنی که هیچ نشانه ای از تردید در آن نیست، پاسخ می دهد: در زندگی ام واژه «نمی شود»، وجود ندارد. اگر بخواهم کاری را انجام دهم، دل به دریای زخم و جلو می روم. برای رسیدن به هدفم واقعات تلاش می کنم. از کودکی در بخش دانش آموزی آسایشگاه، روان شناسان مجموعه به ما یاد داده اند که نباید از چیزی بترسیم یا ناامید شویم.

او یاد روزهای اولی می افتد که قرار بود برای تحصیل به بیرون از آسایشگاه برود. تعریف می کند: اوایل می ترسیدم. اما با خودم گفتم من می توانم. ترس را کنار گذاشتم و پس از چند روز رفت و آمد به مدرسه

رؤیای توکیو

موسی قهرمان جهان است، خنده رو و پرنرژی. وقتی از او می پرسم چه چیزی در زندگی او را شاد می کند، بلافاصله جواب می دهد: ورزش، راستش ورزش آن قدر برایم جذاب است که هیچ چیز دیگری جایش را نمی گیرد. اگر خدا بخواهد، امسال هدفم قهرمانی در مسابقات پارا آسیایی ژاپن است. شب و روز تمرین می کنم؛ چون دوست دارم در این مسابقات هم مدال طلا بگیرم. بعد بلند می خندد و می گوید: اگر ورزشکار نمی شدم، حتما کار دیگری پیدا می کردم. موسی آدمی نیست که بتواند یک جای کار بنشیند.



۶

قناد ساکن محله فلسطین پس از سال ها تمرین و تجربه، در مسابقات بین المللی گاسترونومی ترکیه مدال برنز گرفت

قصه افتخار با کیک عروسی



راه تجربه

گلی بردم و مدالی آوردم

گل های کیک پیش از سفر در سه جعبه بسته بندی شدند. مهساجعبه ها را با خود به فرودگاه برد و در طول پرواز نیز مراقب بود که آسیبی به آن ها نرسد. «همه گل های کیک را در جعبه آماده و بسته بندی کردم و صبح و سالم به پرواز رسیدند. این جعبه ها در طول مسیر دست خودم بود و از فرودگاه تا هتل همه چیز به خیر گذشت. اما رسیدن گل ها به ترکیه پایان ماجرا نبود. اتفاق اصلی زمانی رخ داد که رطوبت هوای ترکیه روی فوندانت ها اثر گذاشت. مهسا شب آخر مسابقه را تا ساعت ها درگیر نصب گل ها گذراند؛ از ساعت ۶ عصر تا ۲ بامداد. در هتل، گل ها را روی ماکت کیک نصب می کردم. گل های ظریفی که به خاطر رطوبت با کوچک ترین ضربه می شکستند. در این میان، حدود سیصد گل از بین رفت. کیک که قرار بود سراسر پوشیده از گل باشد، تنها یک طرف آن با گل تزئین شد. مهسا می گوید که اگر این طور نمی شد احتمال داشت نتیجه بهتری بگیرد و روایتش را این طور ادامه می دهد: داوران مسابقه بسیار سخت گیر بودند و سانت به سانت کیک و گل را اندازه می زدند. شرکت کنندگان این بخش هم خیلی زیاد بودند. با وجود این موفق شدم در بخش کیک عروسی، مقام سوم مسابقات بین المللی گاسترونومی ترکیه را کسب کنم.

مدال برنز برای مهسا دستاورد سال ها تلاش و کوششی است که از یک کارگاه کوچک شروع شد و حالا او را به عرصه ای بین المللی رسانده است.

یک مدال و یک مدرک

با گذشت از ترکیه پایان این مسیر نبود. مهسا به همراه تعدادی از اعضای تیم خراسان رضوی، بهمن سال گذشته در دوره داور بین المللی که در هتل پارسیان آزادی تهران برگزار شد، شرکت کرد و مدرک این دوره را به دست آورد. او دلیل این انتخاب را تنها دریافت یک مدرک تازه نمی داند؛ «در این دوره شرکت کردم، چون به بهبود کارم کمک می کرد. وقتی با قوانین این حرفه آشنا می شوی و می بینی چطور جزئیات اهمیت دارد، به طور حتم در کار از آن استفاده می کنی.»

قنادی، هنر ایستادن

امروز مهسا علاوه بر فعالیت حرفه ای، مربی هم هست و بخشی از وقتش را به آموزش اختصاص می دهد. تجربه مسابقات و سال ها کار با کیک و شیرینی باعث شده است نگاهش به آموزش نیز پیشتر عملی باشد. او معتقد است هنرچو برای قناد شدن باید دست به کار شود و تنها با دیدن آموزش های آنلاین نمی توان ظرافت های این حرفه را آموخت؛ «قنادی برخلاف ظاهر شیرینش، حرفه ای سخت و طاقت فرسا است؛ ساعت ها باید سر پا ایستاد و تمام وقت کار کرد. یک قناد حرفه ای باید بتواند در سه دقیقه یک کیک را تزئین کند و این مهارت تنها با تجربه و کار عملی به دست می آید.»

گل های ظریفی که راهی مسابقه شدند

ماجرای حضور مهسا در مسابقات بین المللی گاسترونومی ترکیه از تماس تلفنی استادش، جواد خدادادی، آغاز شد. چند هفته مانده به مسابقه، خدادادی از برگزاری رقابت ها خبر داد و به او پیشنهاد کرد که در این رویداد شرکت کند؛ «استادم و خانم زهره اورنگی از داوران این مسابقه بودند و می خواستند از خراسان رضوی تیمی در این رقابت حاضر شوند. با همکاری خانم هانیه دهقان نیری تیمی از خراسان رضوی عازم مسابقات شد که من هم یکی از آن ها بودم. این مربیان، همه نکات داور را بر ایمان توضیح دادند؛ اینکه گل ها و چیدمان آن ها چطور بررسی و سنجیده می شود.» در چنین رقابتی، جزئیاتی که شاید برای مخاطب عادی چندان مهم به نظر نرسد، می تواند نتیجه را تغییر دهد. یکسان بودن رنگ گل ها، اندازه و ظرافت آن ها و نحوه قرار گرفتنشان روی کیک، بخشی از استانداردهایی است که داوران با دقت بررسی می کنند؛ «برای حضور در این رقابت، باید کیک را آماده می کردم که تزئیناتش از گل های فوندانت بود؛ گل هایی ظریف و شکننده که سالم رساندنشان به مقصد از دشواری های مسابقه بود.»

صدرا خامه را به آرامی روی کیک، صاف و یکدست می کند و بعد نوبت به گل های ظریف فوندانت می رسد. او گل ها را از جعبه بیرون می آورد و با وسواس کنار هم می چیند. برای او این ظرافت فقط حاصل سلیقه نیست؛ پشت هر گل شکری، ساعت ها تمرین و تجربه قرار دارد. مهسا خجسته، قناد ساکن محله فلسطین، آذر ماه سال گذشته راهی مسابقات بین المللی گاسترونومی ترکیه شد و در بخش کیک عروسی مدال برنز گرفت. پس از بازگشت نیز با شرکت در آزمون داور بین المللی، مدرک این دوره را به دست آورد؛ مسیری که نشان می دهد قنادی برای او هنری است که هر روز برای بهتر شدنش تلاش می کند.

قصه ای که از آشپزخانه مادر شروع شد

مهسا خجسته متولد ۱۳۶۳ و ساکن محله فلسطین است. علاقه او به آشپزی و کارهای هنری از سال های کودکی شکل گرفت؛ زمانی که بیشتر وقت ها کنار مادرش می ایستاد و از تماشای دست های او هنری یاد می گرفت. او تعریف می کند: مادرم دست پخت خوبی دارد و در هنرهای مختلف هم دستی بر آتش دارد. از همان کودکی، کنارش کارهای هنری مختلف یاد می گرفتم؛ مثلاً ساخت گل های چینی و خمیری را. همین تجربه های ساده بعداً تبدیل به یکی از پایه های اصلی کار مهسا شد. حالا تخصص او تهیه و تزئین کیک های عروسی با گل های فوندانت شکری و ظریف است؛ گل هایی که هر کدام باید با دقت ساخته، خشک و در نهایت روی کیک جانمایی شوند. فعالیت حرفه ای مهسا ابتدا با فینگر فود آغاز شد، اما بعد از گذراندن دوره های مختلف، مسیرش را به شکل تخصصی در شیرینی و کیک ادامه داد. حدود دوازده سال پیش با یکی از همکارانش یک قنادی راه انداخت؛ تجربه ای که البته کوتاه بود. خودش درباره آن روزها می گوید: بایکی از همکارانم شراکتی قنادی راه انداختیم، اما سه ماه بیشتر دوام نیاورد. بعد از آن تصمیم گرفتم مسیر را به تنهایی ادامه دهم و کارگاه و آموزشگاهم را راه اندازی کردم.



مجید دولتی بیش از ۱۷۰ شب است که با قلم و دوات در تجمعات حضور پیدا می کند

تداوم مشق مقاومت



۲



دیدار آشنا

شهرستان هایی مانند گنبد کاووس و گناباد نیز رفته و در تجمعات آنجا خطاطی کرده است.

● خوانایی مهم تر از زیبایی

کاغذ، مرکب و دوات را خودش و با کمک های مردمی تهیه می کند و حتی پلاکاردهای چوبی و مقوایی را نیز با کمترین امکانات و با استفاده از چوب های میوه فروشی ها آماده می کند تا در هر تجمع همراهش باشد. انتخاب شعارها هم بر عهده خودش است؛ مطالب و اخبار را دنبال می کند و موضوعاتی مثل خون خواهی رهبر شهید و سایر شهدای جنگ تحمیلی سوم، مذاکره و بیانات رهبری سرلوحه نوشته هایش است. برای او در این کار، زیبایی خط اولویت نیست؛ خوانایی اهمیت بیشتری دارد. به همین دلیل از خط نستعلیق و نسخ استفاده می کند و اندازه و فرم حروف را تغییر می دهد تا نوشته از فاصله دور هم به راحتی خوانده شود.

● ارزش هنر بیرون از خانه دیده می شود

اوشراط حال حاضر کشور را یکی از مهم ترین دوران های تاریخی ایران می داند و می گوید: هر کس باید از توانایی اش در این شرایط استفاده کند. مجید آقا وقتی مقوا و دواتش تمام می شود، پرچم به دست می گیرد و در کنار جمعیت شعار می دهد. خودش می گوید تا زمانی که دستور رهبری برای تجمعات ادامه داشته باشد، با همین اعتقاد پای کار خواهد ماند. او می گوید: اگر می خواهید هنر ارزش پیدا کند، باید در مسیر انقلاب اسلامی باشد.

است. حالا هم همان قلم را به میدان آورده تا آنچه را باور دارد، روی کاغذ بنویسد. مجید آقا از نوجوانی درباره مسائل سیاسی و اجتماعی دغدغه داشته است. به گفته خودش، آن زمان از فرمانده پایگاه بسیج پرسیده بوده که چطور می تواند مسیر درست را در مسائل سیاسی تشخیص دهد و پاسخی که شنیده، برایش ماندگار شده است. او می گوید: فرمانده پایگاه پاسخ داد که نگاهتان به سخنان رهبر باشد. او می گوید: باتوجه به اعتقاد و ایمانمان در این تجمعات شرکت می کنیم و من هم آمده ام تا با هنرم پشیمان ولایت فقیه باشیم. مجید آقا در روزهای اخیر در تجمعات مختلفی از جمله حوزه هنری خیابان هاشمیه، چهارراه عبدالمطلب، میدان جانباز، بهشت رضا^(ع)، میدان شهدا، میدان فردوسی، و... حضور داشته است. حتی به



میترا صدرا صدای حرکت قلم نی روی کاغذ در هیاهوی باند و ضبط میدان جانباز گم می شود. گوشه ای از میدان، کودکان و نوجوانان صف کشیده اند تا مجید دولتی برایشان با خط خوش بنویسد: «جانم فدای ایران»، «برای حفظ ایران، سنگر ما خیابان» و «قسم به خون رهبر، ایستاده ایم تا آخر». قلمش آرام روی کاغذ حرکت می کند. اما کلماتی که روی کاغذ می نشینند، قرار است در میان جمعیت دیده و خوانده شوند. مجید دولتی که اهالی او را بیشتر با نام «محسن» می شناسند، متولد ۱۳۴۸ در محله جانباز است. او از سال ۱۳۷۰ خطاطی را آغاز کرده و حالا پس از سال ها، همچنان معتقد است هنر نباید در خانه بماند و باید در خدمت جامعه باشد. بیش از ۱۷۰ شب است که در تجمعات مختلف با همین نگاه دست به قلم شده است. پیش از این شهرآرامحله در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۹۹ با این هنرمند محله جانباز گفت و گو کرده است.

● قلمی برای باورها و اعتقادات

مجید آقا در جوانی، زمانی که از قبولی در کنکور ناامید شده بود و خودش را برای سربازی آماده می کرد، به پیشنهاد یکی از دوستانش سراغ خطاطی رفت. قرار بود یادگیری خط، دوران سربازی را برایش آسان تر کند. اما این علاقه به بخشی از زندگی اش تبدیل شد. او در کنار خطاطی، با مساجد محله همکاری داشته و در اردوهای جهادی در روستاهای محروم نیز حضور پیدا کرده و با خط خوش مدارس را زیبا کرده

نخستین جلسه باشگاه اجتماعی خردمندان
با هدف پیوند بین نسلی برگزار شد

سهم سالمندان از نشاط محله



عیدگاه

● سالمندان نشاط می خواهند

یکی از اعضای شورای اجتماعی محله ارشاد، با اشاره به جمعیت زیاد سالمندان در این محله می گوید: در محله ارشاد، سالمندان را شناسایی کرده ایم و برنامه های متنوعی برایشان داریم. محلی ها حواسشان هست که اگر سالمندی به مسجد نیامد، حتما به اوسر بزنند، چون ممکن است بیمار باشد. همین ضرابی نیا ادامه می دهد: این گروه سنی دوست دارند در برنامه های شاد و مفرح شرکت کنند. محمد صادق چویدار نیز بر ضرورت طراحی برنامه های شاد و متنوع برای سالمندان منطقه تأکید می کند و می گوید: برگزاری مسابقه های مشترک نوه ها با پدربزرگ ها و مادربزرگ ها در مدرسه یا مسجد می تواند به ارتباط بیشتر نسل ها کمک کند. باید آن ها را بیشتر به فضای جامعه بیاوریم تا احساس نکنند نا کارآمد شده اند. او همچنین پیشنهاد می دهد: معرفی سالمندان فعال محلات و ثبت خاطرات آن ها در شهرآرامحله اتفاق بیفتد تا تجربه ها و روایت های این نسل برای دیگر شهروندان، به ویژه جوان ترها، ماندگار شود.

برای انتقال به نوجوانان و جوانان استفاده خواهد شد. ایجاد ارتباط میان نسل قدیم و جدید نیز از دیگر اهداف این برنامه است؛ هدفی که با برگزاری برنامه های مشترک میان سالمندان، نوجوانان و جوانان دنبال می شود.

● استفاده از ظرفیت سالمندان

علیرضا واله، عضو شورای اجتماعی محله راهنمایی، با اشاره به پیشروی جامعه به سمت میان سالی و سالمندی برگزاری این جلسات و برنامه ها را ضروری می داند و می گوید: باید برای سالمندان برنامه های چندبعدی در نظر بگیریم. تشکیل گروه های مختلف سالمندی، استفاده از ظرفیت آن ها در میانجیگری و حل اختلاف، انتقال دانش و تجربه آن ها میان نسل ها و افزایش سواد رسانه ای و دیجیتال سالمندان، از موضوعات مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. این عضو شورای اجتماعی یادآور می شود: به یاد آن به سالمندان و استفاده از ظرفیت هایشان برای نسل جوان، حس ارزشمندی را در آن ها تقویت می کند. عاطفه قیاسی، کارشناس ورزشی شهرداری منطقه یک، نیز پیشنهاد می دهد برنامه های ورزشی متناسب با شرایط سالمندان در محلات مختلف برگزار شود تا این گروه سنی بتواند با تحرک بیشتر، سلامت جسمی و روحی خود را حفظ کند.

صفائی نخستین جلسه باشگاه اجتماعی «خردمندان» با حضور اعضای شورای اجتماعی محلات منطقه یک و جمعی از پیشکسوتان سه شنبه هفته گذشته برگزار شد. حاضران در این جلسه درباره اجرای برنامه های ویژه برای افراد بیشتر از شصت سال به گفت و گو پرداختند. هدف از راه اندازی این باشگاه مردمی، نظرسنجی، سامان دهی و انسجام بخشی برنامه هایی است که برای سالمندان محلات منطقه اجرا می شود. برنامه های باشگاه خردمندان در پنج محور سلامت و تحرک، فرهنگی و آموزشی، نشاط اجتماعی و تفریح، مشارکت اجتماعی و پیوند بین نسلی طراحی خواهد شد.

● پنج گام موثر

در محور سلامت و تحرک، برنامه هایی مانند پایش و غربالگری قند خون و فشار خون و فعالیت های متناسب با توان جسمی سالمندان پیش بینی شده است. در بخش فرهنگی و آموزشی کلاس های سواد دیجیتال، آموزش استفاده از تلفن همراه و راه های پیشگیری از کلاهبرداری های اینترنتی برگزار خواهد شد. نشاط اجتماعی و تفریح، سومین محور این باشگاه است که شامل بازی های فکری، جشن تولد، خاطره گوئی، اردو و برنامه های شاد جمعی می شود. در محور مشارکت اجتماعی، از تجربه و دانش سالمندان

زرکش، مشهدقلی، نوده، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین^(ع)، هدایت، ایثارگران، قدس، ابوطالب، هنرور، سمرقند، آیت...، عبادی، شهیدفرامرز عباسی، بهاران، خین عرب، اسماعیل آباد، کارخانه‌قند، عبدالمطلب، شفا، شهیدمطهری، عامل، حسین‌یاشی، کاشانی

محلات منطقه‌ها

۱ احمدآباد، راهنمایی، فلسطین، سجاد، آبکوه، ارشاد، صاحب‌الزمان^(ع)، سعدآباد، شهیدکلاهدوز، گوهرشاد، کوی دکتر

با پیگیری شهرآرامحله و شورای اجتماعی محله انجام شد

«ایثارگران» یک قدم به پیاده‌رو ایمن نزدیک‌تر شد

بازخورد



قدیمی ایستگاه اتوبوس نبش ایثارگران ۱۰ نیز جمع‌آوری شد تا این قسمت معبر نیز سامان دهی شود.

افضلیان درباره وضعیت کلی پیاده‌رو خیابان ایثارگران نیز توضیح می‌دهد: بهسازی پیاده‌رو در برنامه سال جاری شهرداری منطقه قرار دارد. معاونت فنی و عمران شهرداری مشهد در حال بستن قرارداد با بنیاد مسکن است و در صورت تأیید و انتخاب پیمانکار، پیاده‌رو این خیابان نیز از ابتدای انتهای در دستور کار مرمت قرار خواهد گرفت.

و اعضای شورای اجتماعی محله، بخش‌هایی از خیابان ایثارگران که نیاز فوری به مرمت داشت، از سوی اداره فنی و عمران شهرداری منطقه ۲ ترمیم و ایمن‌سازی شد. رئیس این اداره درباره اقدامات انجام‌شده می‌گوید: با توجه به درخواست‌های مردمی، تعدادی از معابر ایثارگران که نیاز فوری به بهسازی داشت، در دستور کار قرار گرفت. جد اول و جوی آب نبش ایثارگران ۲۳ و ۱۵ ترمیم شد و بخشی از پیاده‌رو ایثارگران ۱۵ نیز که خطر آفرین بود، رفع‌خطر و مرمت شده است. در ادامه این اقدامات، سکوی

صدرا ۲۴ مرداد امسال، درگزارشی به گلایه ساکنان خیابان ایثارگران درباره وضعیت نامناسب پیاده‌رو، جوی و جد اول این خیابان پرداختیم؛ مشکلاتی که در برخی نقاط، علاوه بر دشواری رفت‌وآمد عابران، حتی برای خودروهای عبوری نیز دردسرساز شده بود. در پی انتشار این گزارش، رضا افضلیان، رئیس اداره فنی و عمران شهرداری منطقه ۲، اعلام کرد پس از بازدید کارشناسان، بخش‌های خطر آفرین شناسایی و برای ترمیم و بهسازی آن‌ها اقدام خواهد شد. هفته گذشته و پس از پیگیری‌های شهرآرامحله

محله به روایت شما



هفته گذشته، شصت نفر از دختران هیئت نینوایی مسجد رسول اکرم^(ص) رابه اردوی شهر بازی سرزمین عجایب بردیم. دختران محله نوده یک اردوی پرهیجان و به یادماندنی را کنار هم تجربه کردند و روزی پر خاطره برای هم‌رقم‌زده‌ها.

تصویر و متن: نرگس کدخدایی، مسئول سازندگی و محرومیت‌زدایی مسجد رسول اکرم^(ص)، محله نوده



هر هفته یکشنبه هادر کانون فرهنگی هنری خواهران مسجد رهروان حضرت زینب^(س)، جلسه قرآن «محفل فرشته‌ها» را ویژه دختران گروه سنی دبستان برگزار می‌کنیم.

تصویر و متن: تکتم مالدار، مسئول کانون فرهنگی هنری مسجد رهروان حضرت زینب^(س)، محله آیت... عبادی

به مناسبت هفته وحدت و میلاد حضرت رسول اکرم^(ص) هشتاد نفر از اهالی محله جانباز و نمازگزاران مسجد امام رضا^(ع) رابه اردوی تفریحی و زیارتی میامی بردیم. در این اردوی خانوادگی کنار هم آش رشته پختیم و کودکان و نوجوانان بازی‌های فکری انجام دادند.

تصویر و متن: حجت الاسلام احمد مقدس، امام جماعت مسجد امام رضا^(ع)، محله جانباز



دوشنبه هفته گذشته ۲۵ نفر از نوجوانان مسجد جوادالائمه^(ع) محله بهاران را که در فعالیت‌های مسجد حضور دارند، به اردوی استخر و بازی بوسستان ملت بردیم. به نوجوانان هاجیلی خوش‌گذشت.

تصویر و متن: رحیم نجارنژاد، نماینده بسیج شورای اجتماعی محله بهاران